

نرخ بهره، سودآوری و ریسک‌پذیری: تحلیلی در بانکداری اسلامی ایران

نوع مقاله: پژوهشی

سید فخر الدین فخرحسینی^۱
میثم کاویانی^۲
یکتا محبی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۲/۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵

چکیده

این پژوهش به بررسی آثار نرخ بهره بر سودآوری و ریسک‌پذیری بانک‌ها در چارچوب بانکداری اسلامی ایران طی دوره زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۲ می‌پردازد. بدین منظور، تأثیر نرخ بهره بر شاخص‌های سودآوری شامل بازده دارایی‌ها (ROA)، بازده حقوق صاحبان سهام (ROE) و خالص درآمد بهره‌ای (NII) و همچنین بر شاخص‌های ریسک‌پذیری مشتمل بر نسبت ذخایر زیان اعتباری به کل دارایی‌ها و نسبت کفایت سرمایه مورد ارزیابی قرار گرفته است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از حیث روش‌شناسی، در زمره پژوهش‌های کمی با رویکرد همبستگی بوده و داده‌های مورد نیاز آن به‌صورت آرشیوی از صورت‌های مالی بانک‌های پذیرفته‌شده در بازار سرمایه تهران و آمارهای منتشرشده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران گردآوری شده است. برای تحلیل داده‌ها از روش داده‌های تابلویی و مدل‌های رگرسیونی چندمتغیره استفاده شده و برآورد مدل‌ها با بهره‌گیری از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) انجام شده است. همچنین، آزمون‌های اقتصادسنجی لازم از جمله آزمون مانایی متغیرها به‌منظور اطمینان از اعتبار نتایج اجرا شده است. نتایج تجربی نشان می‌دهد که نرخ بهره تأثیر منفی و معناداری بر بازده دارایی‌ها و خالص درآمد بهره‌ای بانک‌ها دارد، در حالی که اثر آن بر بازده حقوق صاحبان سهام از لحاظ آماری معنادار نیست. در بُعد ریسک‌پذیری، نرخ بهره اثر مثبت و معناداری بر ذخایر زیان اعتباری دارد؛ به‌گونه‌ای که افزایش نرخ بهره با تشدید ریسک نکول تسهیلات اعطایی همراه بوده و بانک‌ها را ناگزیر به افزایش ذخایر زیان اعتباری به‌منظور پوشش ریسک‌های اعتباری می‌سازد. در مقابل، نتایج حاکی از آن است که نرخ بهره اثر معناداری بر نسبت کفایت سرمایه ندارد. به‌طور کلی، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نرخ بهره، علیرغم ماهیت غیرربوبی بانکداری اسلامی، همچنان نقش قابل توجهی در کاهش سودآوری و افزایش ریسک‌پذیری بانک‌های اسلامی ایران ایفا می‌کند. نتایج این مطالعه می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای سیاست‌گذاران پولی و مدیران بانکی در راستای بهبود مدیریت ریسک، ارتقای عملکرد سودآوری و تقویت کارایی نظام بانکداری اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: نرخ بهره، سودآوری، ریسک‌پذیری.

طبقه‌بندی JEL: G32، G21، E43

۱ دانشجویار، گروه مالی، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول)
f_fkm21@yahoo.com

۲ استادیار، گروه مالی، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران
m_kaviani@iau.ac.ir

۳ دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت مالی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، البرز، ایران
yektamohebi1379@gmail.com

مقدمه

همواره نگرانی‌هایی در رابطه با سلامت بخش مالی وجود دارد. شرایط فعلی اقتصاد کلان و نرخ‌های بهره پایین بی‌سابقه محیطی چالش برانگیز برای موسسات مالی ایجاد می‌کند. به دلیل رشد اقتصادی ضعیف و بازده واقعی کمتر مورد انتظار سرمایه‌گذاری، نرخ بهره در سراسر جهان کاهش یافته است. افزون بر این، در حالی که بانک‌های مرکزی برای بهبود شرایط اقتصادی تلاش می‌کنند به سطوح تورم هدف خود برسند، یک سیاست پولی انبساطی در ایالات متحده، اروپا و ژاپن اعمال شده است که نرخ‌های سیاست کوتاه‌مدت را در سطوح نزدیک به صفر حفظ می‌کند. با خرید دارایی در مقیاس بزرگ، نرخ بهره بلندمدت به سطوح پایین تاریخی نیز کاهش یافته است. مطالعات در مورد سودآوری بانک و رابطه آن با چرخه تجاری توجه با اهمیتی را در پرتو آخرین رکود به خود جلب کرد. بحران‌های اقتصادی جهان به خوبی نقش نظام‌های مالی و اهمیت نهادهای مالی را در رشد اقتصادی نمایان کرده است، نظام‌های مالی با تمرکز بر منابع و وجوه محدود می‌توانند برای سرمایه‌گذاری‌های عظیم، یک اقتصاد را بهره‌ورتر کنند. با توجه به اهمیت سیستم بانکی، شناسایی عوامل موثر بر سودآوری بانک‌ها بسیار حائز اهمیت است. سودآوری بیشتر بانک‌ها نه تنها به بانک‌ها اجازه ایجاد وجوه برای اعطای اعتبارات بیشتر به اقتصاد را می‌دهد بلکه سرمایه‌گذاری در محیط‌های پر ریسک‌تر را برای سیاست‌گذاران بانک‌ها تضمین می‌کند. (الساندري و نلسون^۱، ۲۰۱۵). تجربه بحران مالی جهانی ۲۰۰۷ نشان داد که نظام مالی متعارف در برابر شوک‌های شدید اقتصادی از تاب‌آوری محدودی برخوردار است و همین امر موجب شد توجه پژوهشگران به بانکداری اسلامی به‌عنوان یک نظام مالی جایگزین جلب شود. هرچند برخی مطالعات بر ثبات و ظرفیت بالاتر بانک‌های اسلامی در جذب شوک‌های اقتصادی تأکید دارند، اما شواهد تجربی در این زمینه یکسان و قطعی نیست و نتایج پژوهش‌ها حاکی از وجود اختلاف نظر جدی در خصوص میزان پایداری، سودآوری و ریسک‌پذیری این بانک‌هاست. از این‌رو، بررسی تجربی عملکرد بانک‌های اسلامی، به‌ویژه در زمینه تعامل نرخ بهره با سودآوری و ریسک‌پذیری آن‌ها، همچنان یک خلأ پژوهشی قابل توجه در ادبیات مالی به شمار می‌رود (تراد و همکاران^۲، ۲۰۱۷).

با بررسی شاخص‌های سودآوری بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در ایران نشان می‌دهد این شاخص‌ها در مقایسه با سال‌های قبل (انتهای دهه ۸۰) و نیز در مقایسه با حداقل‌های یادشده در سطح بین‌المللی در وضعیت نامطلوبی قرار دارد، چنانچه کاهش این شاخص‌ها در سال‌های اخیر، ثبات و پایداری سود صنعت بانکداری را زیر سؤال برده است (رحیمی و هراتی، ۱۳۹۹)، اما با توجه به محیط نرخ بهره پایین نیاز به توجه بیشتری دارد. مطالعاتی که به طور خاص بر رابطه بین نرخ‌های بهره (پایین) و سودآوری بانک تمرکز دارند کمیاب هستند (گنای و پودجاسک^۳، ۲۰۱۴). به طور کلی نرخ بهره یکی از مهمترین ابزارهای پولی است که در اقتصادهای بازار نقش کلیدی ایفا می‌کند. نرخ بهره معمولاً به درصدی از مبلغ وام یا سپرده‌ای اطلاق می‌شود که به عنوان هزینه قرض‌دهی یا درآمد حاصل از سپرده‌گذاری محاسبه می‌شود. در سیستم بانکی، نرخ بهره از دو منظر متفاوت قابل بررسی است: نرخ بهره فعال (برای

1 Alessandri & Nelson

2 Trad et al

3 Genay & Podjasek

وامدهی به مشتریان) و نرخ بهره غیر فعال یا نرخ سپرده (برای دریافت پول از سپرده‌گذاران). نرخ بهره به‌عنوان هزینه استفاده از سرمایه یا اعتبار در نظر گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، زمانی که فرد یا نهادی پول خود را به دیگران قرض می‌دهد، انتظار دارد که به ازای استفاده از آن پول، مبلغی اضافی به‌عنوان بهره دریافت کند. نرخ بهره معمولاً به‌صورت سالانه و به درصد از مبلغ وام یا سپرده محاسبه می‌شود (میشکین^۱، ۲۰۱۵) و بر اهمیت درک این رابطه بین نرخ بهره و سودآوری برای ارزیابی سیاست پولی تأکید می‌کنند، زیرا گمان می‌رود که این موضوع دارای عوارض جانبی جدی باشد.

همچنین ریسک‌پذیری بانک‌ها به معنای آمادگی و تمایل بانک‌ها به پذیرش خطرات و ریسک‌هایی است که ممکن است منجر به زیان یا سود بیشتری شود. بانک‌ها با چهار طیف از ریسک‌ها شامل ریسک‌های اعتباری، ریسک‌های عملیاتی، ریسک‌های بازار و ریسک‌های نقدینگی مواجه هستند. هر یک از این انواع ریسک بر چگونگی انجام فعالیت بانک‌ها و نهادهای مالی و تحقق اهداف آنها در خدمات رسانی به مشتریان، تأثیر گذار بوده و موفقیت بانک‌ها صرفاً در صورت مدیریت مناسب این ریسک‌ها ممکن خواهد بود (مروجی، ۱۳۹۲). بانک‌ها ممکن است به دلیل محیط نرخ بهره پایین ریسک‌پذیری خود را افزایش داده باشند، با این حال میزان افزایش ریسک بانک‌ها از طریق سرمایه‌گذاری‌های پرریسک در جستجوی سود بیشتر به سختی مورد بررسی قرار گرفته است. در کوتاه‌مدت، بانک‌ها ممکن است از ذخایر کمتر زیان وام بهره ببرند که در نتیجه کاهش احتمال نکول وام‌های معوقه به دلیل نرخ‌های بهره پایین برای وام‌دهندگان است. در میان‌مدت، نرخ‌های بهره پایین ممکن است بانک‌ها را وادار به کاهش استانداردهای وام‌دهی خود کند که می‌تواند باعث بدتر شدن کیفیت پرتفوی وام و افزایش ریسک اعتباری شود (بیکر و ورولایت^۲، ۲۰۱۸). در ادبیات اقتصادی به‌طور اساسی دو نوع نگاه در مورد رابطه بین رقابت در تعیین نرخ بهره سپرده‌ها و میزان ریسک‌پذیری بانک‌ها همواره مورد بحث بوده است. از یک دیدگاه، نرخ بهره بالاتر سپرده‌ها می‌تواند نشانه‌ای از ریسک‌پذیری بیشتر بانک‌ها باشد. از سوی دیگر، نظریه‌ای وجود دارد که بیان می‌کند سطح بالای مطالبات مشکوک‌الوصول و میزان رقابت میان بانک‌ها، از عوامل تأثیرگذار در تعیین نرخ بهره هستند تا بتوانند سپرده‌های بیشتری جذب کنند (سبحانی و رزم‌آهنگ، ۱۳۹۷).

از طرفی بانکداری اسلامی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی اقتصاد اسلامی، بر اساس اصولی مانند عدم ربا، عدالت و ریسک‌پذیری مشترک عمل می‌کند. با این حال، در محیط اقتصادی ایران که تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله نرخ بهره، تحریم‌ها و نوسانات اقتصادی قرار دارد، بانک‌های اسلامی نیز از این تأثیرات بی‌بهره نیستند. نرخ بهره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست‌های پولی در اقتصاد متعارف، حتی بر عملکرد بانک‌های اسلامی نیز تأثیرگذار است. در ادبیات پژوهشی داخلی، مطالعات متعددی در حوزه تأثیر سیاست‌های پولی و نرخ بهره بر عملکرد بانک‌ها انجام شده است. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به مطالعاتی همچون تأثیر سیاست‌های پولی بر ریسک‌پذیری بانک‌ها (حاج موسوی و همکاران، ۱۴۰۰؛ رحمانی و همکاران، ۱۳۹۵)، تأثیر سیاست‌های پولی بر ریسک سیستمیک بانکی (سلگی و علیزاده، ۱۳۹۹)، و تأثیر نرخ سود بین‌بانکی بر سودآوری بانک‌ها (رحیمی و

1 Mishkin

2 Bikker & Vervliet

هراتی، ۱۳۹۹) اشاره کرد. با این حال، در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها به طور همزمان به بررسی تأثیر نرخ بهره بر سودآوری و ریسک‌پذیری بانک‌های اسلامی پرداخته نشده است. از این رو، پژوهش حاضر با هدف پر کردن این شکاف تحقیقاتی، به بررسی تأثیر نرخ بهره بر شاخص‌های سودآوری (مانند ROA، ROE و NII) و شاخص‌های ریسک‌پذیری در بانک‌های اسلامی ایران می‌پردازد که نوآوری این پژوهش بیش از آنکه در ابزار یا روش اقتصادسنجی نهفته باشد، در تمرکز همزمان بر سودآوری و ریسک‌پذیری بانک‌های اسلامی ایران در یک چارچوب تجربی واحد و با استفاده از داده‌های تابلویی بلندمدت نهفته است. برخلاف بخش عمده‌ای از مطالعات پیشین که یا صرفاً به سودآوری بانک‌ها پرداخته‌اند یا ریسک‌پذیری را به‌طور مستقل بررسی کرده‌اند، این پژوهش تلاش می‌کند تعامل میان نرخ بهره، عملکرد مالی و رفتار ریسک‌پذیر بانک‌های اسلامی را به‌صورت یکپارچه تحلیل کند. این رویکرد، به‌ویژه در بستر اقتصاد ایران و نظام بانکداری اسلامی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این بررسی نه تنها به درک بهتر تأثیرات محیط اقتصادی بر بانکداری اسلامی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند راهکارهایی برای بهبود عملکرد بانک‌های اسلامی در برابر تأثیرات نرخ بهره ارائه دهد.

۱. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

سیاست‌های پولی و تعیین نرخ بهره سپرده بانکی از مهم‌ترین عواملی هستند که بر سودآوری و ریسک‌پذیری بانک‌ها تأثیر می‌گذارند. مطالعات نشان می‌دهند که تغییرات نرخ بهره نه تنها بر عملکرد مالی بانک‌ها اثرگذار است، بلکه میزان ریسک‌پذیری آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. رحیمی فرد و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی نشان دادند که نرخ بهره بر سودآوری بانکی در بخش اسلامی و بخش متعارف تأثیر معناداری دارد با این تفاوت که این اثرگذاری در بخش اسلامی مثبت و در بخش متعارف منفی بوده است. دلیل اثرگذاری متفاوت می‌تواند تفاوت در ماهیت نرخ بهره در بخش اسلامی و متعارف باشد. توضیحی و همکاران (۱۳۹۲) با بررسی تأثیر مدیریت ریسک نرخ بهره در ثبات و ارزش‌گذاری درآمد خالص بهره در بانک‌ها بدین نتیجه دست یافتند که مدیریت ریسک نرخ بهره بر ثبات درآمد خالص بهره و ارزش‌گذاری تأثیر معناداری ندارد.

حاج موسوی و همکاران (۱۴۰۰) در بررسی سیاست‌های پولی و ریسک‌پذیری بانک‌ها نشان دادند که بانک‌های دولتی و خارجی، به دلیل حمایت‌های ضمنی دولت و مداخلات سیاسی، نسبت به بانک‌های خصوصی داخلی ریسک‌پذیری بیشتری دارند. همچنین، افزایش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی باعث افزایش ثبات مالی و کاهش ریسک بانکی می‌شود. یافته‌های سلگی و علیزاده (۱۳۹۹) نیز نشان داد که بین سیاست‌های پولی و ریسک سیستمیک بانکی رابطه‌ای معنادار و بلندمدت وجود دارد، به‌گونه‌ای که تغییرات نرخ بهره و سیاست‌های اعتباری، از طریق تأثیر بر اقلام ترازنامه‌ای بانک‌ها، نوسانات سیستم بانکی را تشدید می‌کند.

در حوزه رقابت بانکی و جذب سپرده‌ها، سبحانی و رزم‌آهنگ (۱۳۹۷) دریافتند که بانک‌های پرریسک برای جذب سپرده‌های بیشتر، نرخ بهره بالاتری پیشنهاد می‌دهند که این امر باعث افزایش ناپایداری مالی می‌شود. این یافته‌ها حاکی از آن است که در شرایط عدم تقارن اطلاعاتی، بانک‌های با وضعیت مالی نامطلوب، تأثیر معناداری در تعیین نرخ بهره دارند. از سوی دیگر، مهربان پور و همکاران (۱۳۹۶) تأثیر ساختار دارایی‌ها، تورم، رقابت

بانکی و نرخ بهره را بر سودآوری بانکها بررسی کرده و دریافتند که درحالی که برخی عوامل همچون تنوع درآمدی و رشد اقتصادی تأثیر مثبت بر سودآوری دارند، نرخ بهره بالا و رقابت شدید بانکی، سودآوری بانکها را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، رحمانی و همکاران (۱۳۹۵) نشان دادند که کاهش نرخ سود بانکی باعث افزایش ریسک‌پذیری بانکها می‌شود، اما این تأثیر بستگی به میزان ثبات مالی بانکها دارد. به‌طوری که بانکهای با ثبات مالی بالاتر، کنترل بهتری بر ریسک ناشی از تغییرات نرخ بهره دارند. کریمی و فیروزان (۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان دادند که نرخ سود تسهیلات عقود مبادله‌ای، رابطه مثبتی با معیار نسبت بازده دارایی بانکها دارد. از این‌رو، برخی از بانکهای منتخب به دلیل شرایط تورمی، در افزایش دارایی‌ها سرمایه‌گذاری کرده و دارایی‌های خود را به روش‌های مختلف افزایش داده‌اند و از کاهش نرخ سود عقود مبادله‌ای استقبال نمی‌کنند.

در بررسی‌های بین‌المللی بالایلار و همکاران^۱ (۲۰۲۵) در مطالعه‌ای مبتنی بر داده‌های بانکی ترکیه دریافتند که درآمدهای غیربهره‌ای با افزایش سودآوری و کاهش ریسک همراه است، به‌گونه‌ای که تنوع درآمدی می‌تواند به‌عنوان سپری در برابر شوک‌های اقتصادی عمل کند و اثر منفی نوسانات نرخ بهره را تعدیل نماید. این نتایج نشان می‌دهد که ساختار درآمدی و سیاست‌های بانکی در کشورهای متفاوت می‌تواند نقش تعدیل‌کننده در رابطه بین نرخ بهره، سودآوری و ریسک ایفا کند. الحربی^۲ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان در ۲۵ کشور به بررسی عوامل مؤثر بر رفتار ریسک‌پذیری بانکهای اسلامی نشان داد که داد سودآوری، نقدینگی، کارایی مدیریتی و اندازه بانک موجب کاهش ریسک‌پذیری بانکهای اسلامی می‌شوند، در حالی که کفایت سرمایه، فعالیت‌های خارج از ترازنامه، تمرکز بازار و بیمه سپرده‌ها تأثیر افزایشی بر رفتار ریسک‌پذیری دارند. لوپز پناباد و ایگلسیاس کاسال^۳ (۲۰۲۲) دریافتند که کاهش نرخ بهره کوتاه‌مدت در شرایط نرخ بهره منفی، حاشیه سود بانکها را کاهش داده اما تأثیر معناداری بر افزایش ریسک‌پذیری آنها ندارد. در مطالعه‌ای مشابه، اندر و نوهورفر^۴ (۲۰۲۱) نشان دادند که نرخ‌های بهره پایین، درحالی که باعث کاهش درآمدهای بهره‌ای بانکها می‌شود، انگیزه آنها را برای پذیرش ریسک‌های بالاتر افزایش می‌دهد. بونگو^۵ (۲۰۱۹) نیز تأکید کرد که نرخ‌های بهره منفی فشار زیادی بر حاشیه سود بانکها وارد کرده و بانکها برای جبران این اثر، درآمدهای غیرمشاع خود را افزایش داده‌اند. یافته‌های وی همچنین نشان داد که نرخ بهره منفی در برخی موارد باعث کاهش ریسک‌پذیری بانکها شده است، اما تأثیر این سیاست به ساختار مالی و ویژگی‌های ترازنامه‌ای بانکها وابسته است. علاوه بر این، بیکر و ورولایت (۲۰۱۸) دریافتند که نرخ بهره پایین نه تنها حاشیه سود خالص بانکها را کاهش می‌دهد، بلکه به دلیل کاهش ذخایر نقدی و افزایش تمایل بانکها به پذیرش ریسک‌های بالاتر، ممکن است ثبات مالی را به خطر بیندازد. راتاناوراراک و آنانچوتیکول^۶ (۲۰۱۸) نیز نشان دادند که نرخ بهره پایین می‌تواند منجر به افزایش ریسک نکول وام و کاهش کیفیت اعتباری وام‌های بلندمدت

1 Balaylar et al

2 Al-Harbi

3 Lopez Penabad and Iglesias Casal

4 Ender & Neuhofer

5 Bounou

6 Ratanavararak and Ananchotikul

شود، به‌ویژه در بانک‌های کوچک و متوسط که وابستگی بیشتری به درآمدهای بهره‌ای دارند. آن‌ها همچنین دریافتند که دوره‌های طولانی‌مدت نرخ بهره پایین، باعث افزایش ریسک‌پذیری بانک‌ها در اعطای وام‌های جدید می‌شود، اگرچه ممکن است به کاهش ریسک نکول وام‌های موجود نیز کمک کند. آلتون‌باس و همکاران^۱ (۲۰۱۴) در یک تحقیق بین‌المللی به بررسی تأثیر سیاست‌های پولی و نرخ بهره بر رفتار ریسک بانک‌ها پرداختند. آنها با استفاده از روش GMM مبتنی بر داده‌های پانلی بلندمدت نشان دادند که سیاست پولی انبساطی (نرخ بهره پایین) می‌تواند منجر به افزایش ریسک‌پذیری بانک‌ها شود، زیرا بانک‌ها برای حفظ سودآوری، به پرتفوی‌های پرریسک‌تر گرایش پیدا می‌کنند. این یافته اهمیت تعامل سیاست پولی با مدیریت ریسک بانکی را برجسته می‌سازد و نشان می‌دهد که نرخ بهره می‌تواند نقش مؤثری در تغییر رفتار ریسک‌پذیری داشته باشد. چنی و پودجاسک^۲ (۲۰۱۴) در تحلیل داده‌های بانکی ایالات متحده نشان دادند که تحولات در نرخ بهره و شیب منحنی بازده می‌تواند به‌طور قابل توجهی بر حاشیه سود و سودآوری بانک‌ها اثر بگذارد. آنها با به‌رمگیری از آمارهای بانک‌های تجاری و مدل‌های رگرسیونی چندمتغیره دریافتند که شرایط نرخ بهره پایین و منحنی بازده مسطح، به‌طور سیستماتیک سودآوری بانک‌ها را تضعیف می‌کند. این نتایج درک بهتری از چگونگی تأثیر محیط نرخ بهره بر عملکرد بانکی فراهم می‌کند. در مجموع، یافته‌های پژوهش‌های داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهد که نرخ بهره به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در تعیین سودآوری و ریسک‌پذیری بانک‌ها عمل می‌کند. از یک سو، افزایش نرخ بهره می‌تواند منجر به رقابت شدیدتر بانک‌ها برای جذب منابع مالی شود که این امر ممکن است رفتار ریسک‌پذیر بانک‌ها را تشدید کند. از سوی دیگر، نرخ بهره پایین، به‌ویژه در شرایطی که بانک‌ها با محدودیت‌های درآمدی مواجه هستند، ممکن است آن‌ها را به سمت اعطای تسهیلات پرریسک‌تر و تصمیمات اعتباری غیراصولی سوق دهد. تأثیر نهایی نرخ بهره بر سودآوری و ریسک‌پذیری بانک‌ها وابسته به ساختار ترازنامه‌ای بانک‌ها، میزان ثبات مالی و شرایط اقتصاد کلان هر کشور است. در بازار سرمایه تهران، بررسی این اثرات می‌تواند به درک بهتری از نحوه واکنش بانک‌های ایرانی به تغییرات نرخ بهره و چگونگی مدیریت ریسک در این بخش کمک کند. به‌ویژه در بانکداری اسلامی ایران، که تحت تأثیر محیط اقتصادی کلان و نوسانات نرخ بهره قرار دارد، بررسی این موضوع اهمیت ویژه‌ای دارد. این پژوهش با تمرکز بر بانکداری اسلامی ایران، قصد دارد نقش نرخ بهره را در شکل‌دهی به سودآوری و ریسک‌پذیری بانک‌ها به‌صورت جامع‌تری تحلیل کند و به ادبیات علمی بانکداری اسلامی کمک کند.

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی بوده و از حیث روش‌شناسی، در زمره پژوهش‌های کمی با رویکرد همبستگی مبتنی بر داده‌های تابلویی قرار می‌گیرد. جامعه آماری پژوهش شامل بانک‌های فعال در بازار سرمایه تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۲ است که نمونه پژوهش با استفاده از روش غربال‌گری (حذفی سیستماتیک) انتخاب شده است. معیارهای انتخاب نمونه شامل پذیرش بانک در بورس قبل از آغاز دوره پژوهش، حضور مستمر تا پایان دوره مورد بررسی، یکسان بودن سال مالی، عدم تغییر سال مالی در طول دوره و نداشتن وقفه

1 Altunbas et al

2 Genay & Podjasek

معاملاتی طولانی مدت بوده است. داده‌های مورد نیاز پژوهش به روش آرشیوی گردآوری شده‌اند. اطلاعات مالی از صورت‌های مالی حسابرسی‌شده و گزارش‌های رسمی منتشرشده بانک‌ها استخراج شده و داده‌های مربوط به متغیرهای پولی و کلان اقتصادی از پایگاه‌های آماری رسمی کشور دریافت شده است. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش داده‌های تابلویی و مدل‌های رگرسیونی چندمتغیره استفاده شده است. در مرحله نخست، ویژگی‌های آماری داده‌ها بررسی و آزمون مانایی متغیرها با استفاده از آزمون ریشه واحد انجام شد. سپس، با توجه به ساختار داده‌ها و نتایج آزمون‌های تشخیصی، مدل‌ها با بهره‌گیری از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته برآورد شدند تا آثار ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی احتمالی در داده‌ها کنترل شود. مدل‌های مورد استفاده در این پژوهش با اقتباس از ادبیات تجربی موجود طراحی شده‌اند و امکان بررسی هم‌زمان آثار نرخ بهره بر ابعاد مختلف عملکرد مالی و رفتار ریسک‌پذیری بانک‌ها را در یک چارچوب اقتصادسنجی منسجم فراهم می‌کنند.

۳. مدل‌های پژوهش

در این پژوهش، به‌منظور پاسخ به سؤال اصلی تحقیق، از مجموعه‌ای از مدل‌های رگرسیونی اقتباس‌شده از مطالعه بیکر و ورولایت (۲۰۱۸) استفاده شده است. در این مدل‌ها، برای سنجش سودآوری بانک‌ها از سه شاخص مالی و برای ارزیابی ریسک‌پذیری از دو شاخص مالی به‌عنوان متغیرهای وابسته بهره گرفته شده است.

مدل سودآوری:

$$Profiability_{it} = \alpha + \beta_1 rate + \beta_2 Capitalization + \beta_3 Size + \beta_4 Lending + \beta_5 CRP + \beta_6 TCR + \beta_7 Inf + \beta_8 GDP + \varepsilon$$

مدل ریسک‌پذیری:

$$PCL_{it} = \alpha + \beta_1 rate + \beta_2 Capitalization + \beta_3 Size + \beta_4 Lending + \beta_5 TCR + \beta_6 Inf + \beta_7 GDP + \varepsilon$$

$$TCR_{it} = \alpha + \beta_1 rate + \beta_2 Capitalization + \beta_3 Size + \beta_4 Lending + \beta_5 CRP + \beta_6 Inf + \beta_7 GDP + \varepsilon$$

در هر دو مدل سودآوری و ریسک‌پذیری، متغیر مستقل نرخ بهره سپرده کوتاه‌مدت یک ساله سیستم بانکی ایران می‌باشد که از سایت بانک مرکزی ج.ا.ا استخراج شد. انتظار می‌رود که نرخ‌های بهره، حاشیه سود بانک را مختل و ریسک را افزایش دهد. فرض بر این است که تأثیر نرخ‌های بهره بر سودآوری و ریسک‌پذیری بانک در جایی که نرخ بهره پایین است قوی‌تر است (بیکر و ورولایت، ۲۰۱۸). همچنین متغیرهای وابسته سودآوری و ریسک‌پذیری بانک هستند که در مدل‌های فوق به شرح ذیل مورد سنجش قرار گرفته است:

بازده دارایی‌ها^۱ (ROA) که نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها بر حسب درصد؛ بازده حقوق صاحبان سهام^۲ (ROE) با نسبت سود خالص به کل حقوق صاحبان سهام بر حسب درصد

1 Return on assets

2 Return on equity

و خالص درآمد بهره‌ای^۱ (NII) به عنوان تفاوت بین درآمد و هزینه بهره‌ای مورد سنجش قرار گرفته است و بر حسب ارزش ریالی می‌باشد. ریسک‌پذیری نیز از دو شاخص نسبت کل سرمایه^۲ (TCR)، نسبت کل سرمایه مبتنی بر ریسک به دارایی‌های موزون ریسک بر حسب درصد و همچنین از نسبت ذخایر زیان اعتباری به نسبت کل وام‌ها^۳ (PCL) به عنوان سطح ریسک اعتباری بر حسب درصد مورد سنجش قرار گرفتند. معمولاً هر چه پرتفوی وام پرریسک‌تر باشد به معنی سهم نسبتاً بزرگتر از تسهیلات غیر جاری است که به ریسک اعتباری بالاتر و در نتیجه ذخیره بیشتر تبدیل می‌شود.

نهایتاً متغیرهای اندازه بانک (SIZE) لگاریتم کل دارایی‌ها وام دهی^۴، نسبت‌های ریسک PCL و TCR (فقط در مدل سودآوری)، تولید ناخالص داخلی و تورم به عنوان متغیرهای کنترلی هستند.

۴. یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

در این پژوهش شاخص‌های آمار توصیفی شامل شاخص‌های مرکزی (بیشترین، کمترین، میانگین) و شاخص‌های پراکندگی شامل واریانس و انحراف معیار هستند که در جدول ۱ مورد بحث و بررسی قرار گرفتند.

در جدول ۱ تحلیل آمار توصیفی ارائه شده است. نرخ بهره کوتاه‌مدت با میانگین ۱۰/۳۲ درصد و میانه ۱۰ درصد، نشان‌دهنده توزیعی با چولگی جزئی به سمت مقادیر بالاتر است که احتمالاً تحت تأثیر نرخهای حداقلی مانند ۵ درصد و حداکثری ۱۵ درصد قرار دارد. اختلاف ۱۰ واحدی بین کمترین و بیشترین نرخ (بازه ۵ تا ۱۵ درصد) و انحراف معیار متوسط (۲/۷۷)، بیانگر نوسانات محسوس در این نرخ است. این نوسانات می‌تواند ناشی از تغییرات سیاست‌های پولی، تحولات تورمی، یا عوامل کلان اقتصادی باشد. میانه ۱۰ درصدی نشان می‌دهد نیمی از داده‌ها حول این مقدار متمرکز شده‌اند، اما وجود مقادیر بالا (مانند ۱۵ درصد) میانگین را به سمت راست کشیده است که برای سرمایه‌گذاران و سیاستگذاران حاوی پیام‌های ریسکی است. از جنبه سودآوری میانگین و میانه‌ی نرخ بازده دارایی در سطح بسیار پایینی قرار دارند (۰/۰۱)، که می‌تواند نشان‌دهنده سودآوری محدود بانک‌ها تحت تأثیر نرخ‌های بهره‌ی پایین سپرده‌ها یا هزینه‌های عملیاتی بالا باشد. بازده حقوق صاحبان سهام با میانگین ۱۹/۱ درصد سطح قابل‌قبولی را نشان می‌دهد، اما حاشیه سود خالص بهره با مقدار ۰/۰۵ نسبتاً پایین است که می‌تواند ناشی از رقابت شدید یا سیاست‌های پولی محدودکننده باشد. همچنین از جنبه ریسک‌پذیری ذخایر زیان اعتباری کل دارایی با میانگین ۰/۰۲ و میانه ۰/۰۱، نشان‌دهنده تمرکز بیشتر داده‌ها حول مقادیر پایین (مثلاً نزدیک به صفر) است. با این حال، وجود مقدار حداکثری ۰/۲۷۳ و انحراف معیار ۰/۰۳۹، بیانگر نوسانات قابل توجه در ذخایر زیان اعتباری است که احتمالاً ناشی از دوره‌های خاص با ریسک اعتباری بالا یا تعدیلهای حسابداری غیرمترقبه است.

1 Net Interest Income

2 Total capital ratio

3 Credit loss provisions

4 Lending

جدول ۱: شاخص آماری توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	میانگین	میان	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
بازده	RATE	۱۰/۳۲	۱۰	۱۵	۵	۲/۷۷
	ROA	۰/۰۰۱	۰/۰۱	۰/۰۷۶	-۰/۵۳	۰/۰۶۶
	ROE	۰/۱۹۱	۰/۱۸۵	۳/۲۰۲	-۴/۱۹	۰/۴۶
	NII	۱۶/۶۹	۱۶/۹۸	۱۹/۸۲	۱۱/۰۱	۱/۶۱
نسبت	PCL	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۲۷۳	۰/۰۰۰	۰/۰۳۹۹
	TCR	۰/۰۵۷	۰/۰۳۷	۰/۵۳۱	۰/۰۰۴	۰/۰۶۸
	SIZE	۱۹/۲۶	۱۹/۳۰۶	۲۲/۸۰۴	۱۴/۸۱۲	۱/۵۹
	CAPIT	۰/۰۳	۰/۰۶	۰/۶۳	-۲/۴۰۷	۰/۳۰۸
تولید ناخالص ملی	LENDING	۰/۵۶	۰/۶۰۲	۰/۸۱۵	۰/۰۰۰	۰/۱۳۷
	GDP	۷/۰۵۵	۷/۰۴۴	۷/۵۱۳	۶/۱۹۸	۰/۳۱۸
	INF	۲۶/۵۷۹	۲۵/۴	۴۷/۱	۹	۱۴/۲۱۵

منبع: یافته‌های پژوهشگر (خروجی نرم‌افزار)

از سوی دیگر، نسبت کل سرمایه با میانگین $۰/۰۵۷$ و میان $۰/۰۳۷$ ، از توزیعی به شدت چوله به سمت مقادیر بالا برخوردار است که نشان‌دهنده تأثیر مقادیر پرت مانند حداکثر $۰/۵۳$ بر میانگین است. بازه گسترده (از $۰/۰۰۴$ تا $۰/۵۳۱$) و انحراف معیار بالا ($۰/۰۶۸$) بیانگر نوسانات شدید در سطح سرمایه است که می‌تواند ناشی از تغییرات ناگهانی در سیاست‌های افزایش/کاهش سرمایه، جذب سرمایه‌گذاران یا زیان‌های عملیاتی باشد. مقدار حداقلی بسیار پایین ($۰/۰۰۴$) نیز هشداردهنده ریسک کفایت سرمایه در برخی دوره‌هاست. این نوسانات، نیاز به نظارت دقیق بر مدیریت سرمایه و توازن بین رشد داراییها و ثبات مالی را پررنگ می‌کند.

آزمون مانایی

در تحلیل‌های اقتصادی فرض بر این است که بین متغیرهای مطرح در یک تئوری اقتصادی، ارتباط بلندمدت و تعادلی برقرار است. در تحلیل‌های اقتصادسنجی کاربردی جهت برآورد روابط بلندمدت بین متغیرها، میانگین و واریانس آن‌ها را در طی زمان ثابت و مستقل از عامل زمان، در نظر می‌گیرند و در نتیجه به‌طور ضمنی ثبات رفتاری را برای آن‌ها فرض می‌کنند. نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد فیشر به شرح ذیل هست:

جدول ۲: نتایج آزمون مانایی متغیرها

متغیرها	آزمون فیشر	سطح معنی داری	نتیجه
CAPIT	۴۶/۰۴۷۱	۰/۰۱۷۲	مانا
PCL	۵۵/۱۴۵۶	۰/۰۰۱۶	مانا
GDP	۱۱۹/۰۵۹	۰/۰۰۰۰	مانا
INF	۶۲/۳۲۴۲	۰/۰۰۰۲	مانا
LENDING	۱۲۵/۴۶۲	۰/۰۰۰۰	مانا
NII	۴۳/۸۲۹۸	۰/۰۲۸۹	مانا
RATE	۶۳/۹۷۱۱	۰/۰۰۰۱	مانا
ROA	۱۲۲/۰۶	۰/۰۰۰۰	مانا
ROE	۷۱/۴۹۹۵	۰/۰۰۰۰	مانا
SIZE	۷۶/۳۱۶۵	۰/۰۰۰۰	مانا
TCR	۹۴/۱۸۸۹	۰/۰۰۰۰	مانا

منبع: یافته‌های پژوهشگر (خروجی نرم‌افزار)

مطابق نتایج جدول ۲ سطح معناداری متغیرهای مدل کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین مانایی برای متغیرهای مدل بر اساس آزمون فیشر در سطح برقرار است و متغیرها فاقد ریشه واحد هست.

برآورد مدل‌های پژوهش

در این بخش برای بررسی و برآورد مدل‌های پژوهش در جداول ۳ و ۴ از تحلیل پنلی^۱ استفاده شده است. دلیل استفاده از این روش به علت نوع ماهیت داده‌هاست. همچنین بر اساس آزمون‌های تشخیصی داده‌ها از نوع ترکیبی هستند و به دلیل وجود ناهمسانی واریانس از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) برای تخمین مدل استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ نشان داده شده است.

1 Panel Analysis

جدول ۳: نتایج آزمون تاثیر نرخ بهره بر سودآوری بانک

متغیر	نماد	ROA	ROE	NII
ثابت	C	۰/۰۸۲ (۰/۲۸۱۴)	۲/۱۳۳ (۰/۰۰۰۰)	-۳/۲۳ (۰/۰۰۰)
نرخ بهره	RATE	-۰/۰۰۲ (۰/۰۲۴۲)	-۰/۰۰۲ (۰/۳۵۶۷)	-۸/۴۳ (۰/۰۰۴۲)
نسبت سرمایه به دارایی	CAPIT	۰/۱۴۲ (۰/۰۰۰۰)	-۰/۱۹۸ (۰/۳۵۶۷)	۲/۶۷ (۰/۰۰۰۵)
اندازه بانک	SIZE	۰/۰۰۰۹ (۰/۷۱۲)	۰/۰۱ (۰/۷۲۹۷)	۱/۰۹ (۰/۰۰۶۶)
کل وام به کل دارایی	LENDING	۰/۰۱۸ (۰/۳۴۷۱)	۰/۰۰۴ (۰/۹۵۴۷)	۲/۳۵ (۰/۱۲۵۱)
تخاير زیان اعتباری کل دارایی	PCL	۰/۰۷۴ (۰/۰۳۳۸)	۰/۱۹۱ (۰/۱۵۱۶)	۳/۸۲ (۰/۴۷۲)
نسبت کل سرمایه	TCR	-۰/۰۸۴ (۰/۱۰۴۳)	-۰/۸۹۸ (۰/۰۲۴۹)	۶/۳۲ (۰/۰۰۰۹)
نرخ تورم	INF	۰/۰۰۰۰۱ (۰/۹۵۴۷)	۰/۰۰۱ (۰/۱۶۲۱)	-۵/۴۴ (۰/۶۲۸۷)
تولید ناخالص داخلی	GDP	-۰/۰۱۳ (۰/۳۷۱۸)	-۰/۳۰۶ (۰/۰۱۴۱)	۲/۰۷ (۰/۰۷۸۰)
آماره F		۵۶/۱۲۷ (۰/۰۰۰۰)	۲۳/۱۷ (۰/۰۰۰۰)	۱۸/۲۱ (۰/۰۰۰۰)
ضریب تعیین		۰/۷۲۸	۰/۴۴۹	۰/۷۴
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۷۱۵	۰/۳۸	۰/۷۱

منبع: یافته‌های پژوهشگر (خروجی نرم‌افزار)

در جدول ۳ که به بررسی تأثیر نرخ بهره کوتاه‌مدت بر سودآوری بانک‌های پذیرفته‌شده در بازار سرمایه تهران پرداخته شده، سه شاخص سودآوری شامل بازده دارایی (ROA)، بازده حقوق صاحبان سهام (ROE) و خالص درآمد بهره‌ای (NII) به‌عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که نرخ بهره تأثیر منفی و معناداری بر ROA دارد، به‌طوری‌که ضریب آن برابر با $-0/002$ و سطح معناداری $0/024$ گزارش شده است. این بدان معناست که با افزایش نرخ بهره، بازده دارایی بانک‌ها کاهش می‌یابد. در مورد ROE نیز هرچند ضریب منفی به دست آمده ($-0/002$) است، اما با توجه به سطح معناداری $0/356$ این رابطه از نظر آماری معنادار نیست و نمی‌توان ادعای تأثیر قطعی داشت. در مقابل، تأثیر نرخ بهره بر NII (خالص درآمد بهره‌ای) به‌صورت معنادار و منفی گزارش شده و ضریب این متغیر برابر با $-8/43$ با سطح معناداری $0/004$ است که نشان‌دهنده افت قابل توجه درآمد بهره‌ای بانک‌ها در اثر افزایش نرخ بهره است. این مدل‌ها به لحاظ آماری نیز قوی هستند؛ به‌ویژه مدل مربوط به ROA با ضریب تعیین تعدیل‌شده $0/715$ و آماره F برابر با $56/127$ (سطح معناداری $0/000$) نشان‌دهنده قدرت تبیین بالای مدل است. مدل NII نیز از ضریب تعیین تعدیل‌شده $0/71$ و آماره F برابر با $18/21$ برخوردار است که نشان‌دهنده کفایت مدل در تبیین تغییرات این متغیر است. در مقابل، مدل مربوط به ROE با ضریب تعیین تعدیل‌شده پایین‌تر ($0/38$) و F برابر با $23/17$ عملکرد تبیینی ضعیف‌تری نسبت به سایر مدل‌ها دارد که تأییدگر عدم معناداری برخی ضرایب آن از جمله نرخ بهره است.

در جدول ۴ نیز تأثیر نرخ بهره کوتاه‌مدت بر ریسک‌پذیری بانک‌ها با استفاده از دو شاخص ذخایر زیان اعتباری به کل دارایی‌ها (PCL) و نسبت کل سرمایه (TCR) بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که نرخ بهره بر PCL تأثیر مثبت و معناداری دارد، به‌طوری‌که ضریب آن برابر با ۰/۰۰۰۲ و سطح معناداری ۰/۰۴۸ است. این رابطه نشان می‌دهد که افزایش نرخ بهره می‌تواند ریسک اعتباری بانک‌ها را افزایش دهد که احتمالاً به دلیل فشار بر مشتریان برای بازپرداخت تسهیلات در شرایط سخت‌تر مالی ناشی می‌شود. در مقابل، نرخ بهره اثر معناداری بر نسبت کل سرمایه ندارد، که نشان می‌دهد ساختار سرمایه بانک‌ها در کوتاه‌مدت از نوسانات نرخ بهره تأثیر محسوسی نمی‌پذیرد. مدل PCL با ضریب تعیین تعدیل‌شده ۰/۳۶ و آماره F برابر با ۱۵/۴۷ (سطح معناداری ۰/۰۰۰) از قدرت توضیح‌دهندگی مناسبی برخوردار است. مدل TCR نیز با ضریب تعیین تعدیل‌شده ۰/۳۷ و آماره F برابر با ۲۳/۱۷ عملکرد آماری قابل قبولی دارد.

در مجموع، نتایج این دو جدول ۳ و ۴ نشان می‌دهند که نرخ بهره کوتاه‌مدت اثر منفی و معناداری بر سودآوری بانک‌ها به‌ویژه از منظر بازده دارایی و درآمدهای بهره‌ای دارد و همچنین با افزایش ریسک اعتباری آن‌ها همراه است، هرچند که تأثیر آن بر بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت کل سرمایه از نظر آماری معنادار نبوده است. این یافته‌ها حاکی از اهمیت بالای نرخ بهره در سیاست‌گذاری‌های بانکی و مالی برای حفظ پایداری سودآوری و کنترل سطح ریسک‌پذیری بانک‌ها در بازار سرمایه تهران است.

جدول ۴: نتایج آزمون تأثیر نرخ بهره بر ریسک‌پذیری بانک

متغیر	نماد	PCL	TCR
ثابت	C	-۰/۰۱۷ (۰/۳۹۷۷)	-۰/۰۷۲ (۰/۴۹۲۷)
نرخ بهره	RATE	۰/۰۰۰۲ (۰/۰۴۸۶)	-۰/۰۰۰۸ (۰/۵۱۳۴)
نسبت سرمایه به دارایی	CAPIT	۰/۰۰۱ (۰/۵۱۲۸)	۰/۰۱۹ (۰/۲۸۵)
اندازه بانک	SIZE	۰/۰۰۰۳ (۰/۷۲۴)	-۰/۰۴۲ (۰/۰۰۰)
کل وام به کل دارایی	LENDING	۰/۰۰۱ (۰/۵۹۷)	-۰/۰۵۲ (۰/۰۶۶۱)
ذخایر زیان اعتباری کل دارایی	PCL	۰/۰۳۴۲ (۰/۰۲۴۳)	۰/۰۴۸ (۰/۵۸۱۱)
نرخ تورم	INF	-۰/۰۰۰۱ (۰/۰۱۷۶)	-۰/۰۰۰۱ (۰/۷۱۷۲)
تولید ناخالص داخلی	GDP	۰/۰۰۴ (۰/۴۲۴۶)	۰/۱۳۸ (۰/۰۰۰)
آماره F		۱۵/۴۷۷ (۰/۰۰۰)	۲۳/۱۷ (۰/۰۰۰)
ضریب تعیین		۰/۳۸	۰/۳۹
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۳۶	۰/۳۷

منبع: یافته‌های پژوهشگر (خروجی نرم‌افزار)

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر که با هدف بررسی تأثیر نرخ بهره کوتاهمدت بانکی بر سودآوری و ریسک‌پذیری بانک‌های اسلامی ایران طی دوره ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۲ انجام شد، می‌توان نتیجه گرفت که نرخ بهره کوتاهمدت یکی از متغیرهای کلیدی و اثرگذار بر عملکرد مالی و رفتار ریسک‌پذیر بانک‌های اسلامی ایران است. نتایج تجربی نشان داد که افزایش نرخ بهره کوتاهمدت تأثیر منفی و معناداری بر شاخص‌های سودآوری بانک‌ها، به‌ویژه بازده دارایی‌ها و خالص درآمد بهره‌ای، دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های داخلی از جمله مهربان‌پور و همکاران (۱۳۹۶) و همچنین مطالعات بین‌المللی مانند چنی و پودجاسیک (۲۰۱۴) و بیکر و ورولایت (۲۰۱۸) همسو است که نشان می‌دهند افزایش یا تداوم نرخ‌های بهره نامساعد، از طریق کاهش حاشیه سود و تضعیف درآمدهای عملیاتی، سودآوری بانک‌ها را محدود می‌کند. در مقابل، نتایج این پژوهش نشان داد که نرخ بهره کوتاهمدت تأثیر معناداری بر بازده حقوق صاحبان سهام ندارد. این نتیجه با یافته‌های برخی مطالعات داخلی از جمله توضیحی و همکاران (۱۳۹۲) که به عدم تأثیر معنادار مدیریت ریسک نرخ بهره بر ثبات درآمد خالص بهره اشاره کرده‌اند، تا حدی همخوانی دارد. این موضوع نشان می‌دهد که بازده حقوق صاحبان سهام، به دلیل تأثیرپذیری از ساختار سرمایه، سیاست‌های تقسیم سود و اهرم مالی بانک‌ها، الزاماً واکنش فوری و مستقیمی به تغییرات نرخ بهره نشان نمی‌دهد و ارزیابی اثر نرخ بهره بر عملکرد بانک‌ها نباید صرفاً به این شاخص محدود شود. از منظر ریسک‌پذیری، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که افزایش نرخ بهره کوتاهمدت با افزایش ریسک‌پذیری بانک‌ها همراه است. این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های داخلی نظیر سلگی و علیزاده (۱۳۹۹) و سبحانی و رزم‌آهنگ (۱۳۹۷) و همچنین مطالعات بین‌المللی آلتون‌باس و همکاران (۲۰۱۴)، اندر و نوهوفر (۲۰۲۱) و بیکر و ورولایت (۲۰۱۸) هم‌راستا است. این مطالعات نشان می‌دهند که تغییرات نرخ بهره، از طریق تأثیر بر ساختار ترازنامه‌ای بانک‌ها و کاهش درآمدهای بهره‌ای، می‌تواند بانک‌ها را به سمت رفتارهای جبرانی و پذیرش ریسک‌های اعتباری بالاتر سوق دهد. با این حال، نتایج پژوهش حاضر در مقایسه با برخی مطالعات بین‌المللی مانند لوپز پناباد و ایگلسیاس کاسال (۲۰۲۲) که اثر نرخ بهره پایین بر ریسک‌پذیری بانک‌ها را محدود یا غیرمعنادار گزارش کرده‌اند، نشان می‌دهد که واکنش بانک‌ها به تغییرات نرخ بهره به‌شدت وابسته به ویژگی‌های ساختاری، شرایط اقتصاد کلان و چارچوب نهادی هر کشور است. در این راستا، نتایج این پژوهش بیانگر آن است که در نظام بانکداری اسلامی ایران، علی‌رغم ماهیت غیرربوی، نرخ بهره همچنان نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتار ریسک‌پذیر بانک‌ها ایفا می‌کند.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش با بخش معناداری از ادبیات داخلی و بین‌المللی همخوانی دارد و تأیید می‌کند که نرخ بهره، چه در قالب سیاست پولی انقباضی و چه انبساطی، می‌تواند از کانال‌های مختلفی نظیر سودآوری، کیفیت دارایی‌ها و رفتار اعطای تسهیلات، ثبات مالی بانک‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران پولی در تعیین نرخ‌های بهره، آثار آن بر سودآوری و ریسک‌پذیری بانک‌ها، به‌ویژه در چارچوب بانکداری اسلامی ایران، را به‌طور هم‌زمان مدنظر قرار دهند. همچنین، بانک‌ها می‌توانند از طریق مدیریت فعال ترازنامه، تنوع‌بخشی به منابع درآمدی و تقویت سازوکارهای مدیریت ریسک، آسیب‌پذیری خود را نسبت به نوسانات نرخ بهره کاهش دهند تا در شرایط متغیر اقتصادی، عملکردی باتثبات و پایدار داشته باشند.

منابع

۱. توضیحی، فرشید؛ محفوظی، غلامرضا؛ مشعشعی، محمد. (۲۰۲۳). تأثیر مدیریت ریسک نرخ بهره در ثبات و ارزش‌گذاری درآمد خالص بهره در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی، ۱۶(۵۶)، ۳۰۱-۳۲۸.
۲. حاج موسوی ساراسادات، محمودزاده محمود، ادیب پور مهدی. (۱۴۰۰) بررسی تأثیر سیاست‌های پولی بر ریسک‌پذیری بانک‌ها، مطالعه بین‌کشوری. فصلنامه علمی-پژوهشی / اقتصاد و مدیریت شهری. ۹ (۳۶): ۵۵-۷۶.
۳. رحمانی، تیمور، احمدیان، اعظم، و کیانوند، مهران. (۱۳۹۵). تحلیلی بر رابطه سیاست پولی و ریسک‌پذیری شبکه بانکی ایران. پژوهش‌های پولی-بانکی، ۹(۲۹)، ۴۰۵-۴۲۵.
۴. رحیمی زکیه، هراتی جواد. (۱۳۹۹). تأثیر نرخ سود بین بانکی و شیب منحنی عایدی بر سودآوری بانک‌های منتخب در ایران. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی. ۹ (۳۲): ۲۱۱-۲۴۳.
۵. رحیمی فرد، اکبر؛ رنجبر فلاح، محمد رضا و متقی، سمیرا. (۱۴۰۲). بررسی تحلیلی تأثیر نرخ بهره بر سودآوری بانکی (مقایسه بانکداری اسلامی و متعارف). دوفصلنامه علمی مطالعات و سیاست‌های اقتصادی، ۱۰(۲)، ۹۷-۷۷.
۶. سبحانی، حسن؛ رزم آهنگ، مهدی. (۱۳۹۷). تبعات ریسک‌پذیری و رقابت بانک‌ها در جذب سپرده در شرایط عدم تقارن اطلاعات؛ مطالعه موردی نظام بانکی ایران. فصلنامه علمی-پژوهشی راهبرد اقتصاد، ۷(۲۶).
۷. سلگی، محمد؛ علیزاده، مهرداد. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر سیاست‌های پولی بر ریسک سیستمیک بانکی. پژوهش‌های راهبردی بودجه و مالی، ۱(۱)، ۴۰-۱۱.
۸. کریمی، مرضیه و فیروزان، توحید. (۱۳۹۴). بررسی میزان اثرپذیری عملکرد بانک‌ها از نرخ سود عقود مبادله‌ای. فصلنامه مطالعاتی در مدیریت بانکی و بانکداری اسلامی، ۱(پاییز و زمستان)، ۱۱۵-۱۳۹.
۹. مروجی، علی. (۱۳۹۲). بررسی اثرات مدیریت ریسک اعتباری در موسسات مالی: چالش‌ها و راهکارها. انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. مهربان پور، محمدرضا، نادری نورعینی، محمدمهدی، اینالو، عفت، و اشعری، الهام. (۱۳۹۶). عوامل موثر بر سودآوری بانک‌ها. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۴(۵۴)، ۱۱۳-۱۳۴.
11. Alessandri, P., & Nelson, B. D. (2015). Simple banking: Profitability and the yield curve. *Journal of Money, Credit and Banking*, 47(1), 143–175.
12. Al-Harbi, A. (2022). Risk-taking behaviour of Islamic banks: A panel study. *International Journal of Economics, Finance and Management Sciences*, 10(1), 28-36.
13. Altunbas, Y., Liu, M.-H., Molyneux, P., & Seth, R. (2014). Bank risk and monetary policy. *Journal of Financial Stability*, 10, 1–18. <https://doi.org/10.1016/j.jfs.2013.06.001>

14. Balaylar, N. A., Karımlı, T., & Bulut, A. E. (2025). The effect of non-interest income on bank profitability and risk: Evidence from Turkey. *Revista galega de economía: Publicación Interdisciplinar da Facultade de Ciencias Económicas e Empresariais*, 34(1), 1.
15. Bikker, J. A., & Vervliet, T. M. (2018). Bank profitability and risk-taking under low interest rates. *International Journal of Finance & Economics*, 23(1), 3-18.
16. Bounou, W. (2019). Negative interest rates, bank profitability and risk-taking. *Bank Profitability and Risk-taking* (July 8, 2019).
17. Ender, M., & Neuhofer, C. (2021). Implications Of Low Interest Rates On Bank Profitability And Risk-Taking. *Journal of Financial Management, Markets and Institutions*, 9(01), 2150003.
18. Genay, H., & Podjasek, R. (2014). What is the impact of a low interest rate environment on bank profitability?. *Chicago Fed Letter*.
19. Genay, H., & Podjasek, R. (2014). What is the impact of a low interest rate environment on bank profitability? Chicago Fed Letter, No. 324. Federal Reserve Bank of Chicago.
20. Ioannidou, V., Ongena, S., & Peydró, J.-L. (2015). Monetary policy, risk-taking, and pricing: Evidence from a quasi-natural experiment. *Review of Finance*, 19(1), 95–144. <https://doi.org/10.1093/rof/rfu035>
21. López-Penabad, M. C., Iglesias-Casal, A., & Neto, J. F. S. (2022). Effects of a negative interest rate policy in bank profitability and risk taking: Evidence from European banks. *Research in International Business and Finance*, 60, 101597.
22. Mishkin, F. S. (2015). The Economics of Money, Banking, and Financial Markets. *Pearson Education*.
23. Ratanavararak, L., & Ananchotikul, N. (2018). Bank profitability and risk-taking in a low interest rate environment: The case of Thailand. *Puey Ungphakorn Institute for Economic Research Discussion Paper*, 89.
24. Trad, N., Trabelsi, M. A., & Goux, J. F. (2017). Risk and profitability of Islamic banks: a religious deception or an alternative solution?. *European Research on Management and Business Economics*, 23(1), 40-45.